

به گونه ای چشمگیر به فعالیتهای خود افزوده و اعتبار بسیار کسب کرده است. تحقیقات در زمینه های گوناگون، برگزاری سمینارهایی با موضوعات متنوع، انتشار کتاب و اعزام دانشجویان به کشورهای فارسی زبان از جمله این فعالیتهاست. به تازگی دوازده تن از دانشجویان رشته ایران شناسی این دانشگاه با همکاری استادان خود، دکتر روکسانه هاگ - هیگوجی و دکتر فرامرز بهزاد، سه داستان کوتاه از عباس معروفی را به آلمانی ترجمه و با عنوان «رشته تسبیح» در مجموعه انتشارات دانشگاه بامبرگ به صورت کتابی جالب منتشر کرده اند.^۲ یا در رشته ایران شناسی دانشگاه ماینز یکی از دانشجویان اخیراً رساله کارشناسی ارشد خود را درباره زندگی و آثار فروغ فرخزاد با موفقیت به انجام رساند.

این همه نشان می دهد که پژوهشهای ایران شناسی، دست کم در آلمان، به تدریج از محدوده سنتی گذشته فراتر می رود و اگر نتوان گفت که هویت تازه ای یافته، حداقل می توان ادعا کرد که وارد مرحله تازه ای شده است و نسلی تازه از ایران شناسان در راه است. از این رو هر نشریه و مجله ای که با هدف گسترش مطالعات و تحقیقات ایران شناختی منتشر می شود، ناگزیر باید با نگاهی نو به این گستره پهناور بنگرد و مقاله ها و نقدهای خود را با وضع جدید تطبیق دهد.

ورسات، آلمان

یادداشتها:

۱- برای آشنایی بیشتر با احوال و آثار این شاعر آلمانی زبان ایرانی تبار به کتابی که دوستان او در بزرگداشتش به زبان آلمانی منتشر کردند مراجعه کنید:

Poet und Vagant. Der Dichter Cyrus Atabay, Herausgegeben von Werner Ross, München 1997.

۲- Die Gebetskette, Abbas Maroufi. Hrsg. Von Framarz Behzad und Roxane Haag

Higuchi. Bamberg: Univ.-Bibliothek, 1997

حسین منتظم

آمدن شاه بهرام ورجاوند

تدوین، ترجمه و توضیح از بیژن غیبی

انتشارات نمودار، بیله فلد، آلمان، سال ۲۰۰۰، صفحات ۲۲، بها (؟)

یک نویسنده فرانسوی، اهل فضل را به دو بخش می کند: آنان که از فضلشان خود

بهره مند می شوند، و دو دیگر که رنج پژوهش و نگارش را بر خود هموار می کنند تا دیگران بهره مند شوند. بی شک استاد بیژن غیبی از گروه دوم است که سالیان را به عبث سپری نکرده، متون پهلوی را که از بد روزگار و اعصار و قرون، در آب شستن یا در تونها سوزاندن، رهایی یافته و به دست ما رسیده است^۱ یکی پس از دیگری ترجمه و تفسیر کرده و نتیجه پژوهشها را همراه با متن و آوانگاری و ذکر نکات لغوی، ادبی و فرهنگی... به دست چاپ می سپارد.

پس از رسالات پیشین،^۲ اینک نوبت آمدن شاه بهرام ورجاوند است که ما را از پژوهشهای خود درباره این سرود دل انگیز آگاه می سازد که امید روشنیهای آینده را نمی دهد، و نیز غم انگیز زیرا که او نیز در کنار دیگر ورجاوندان خفته است و... کس می ندهد نشان ز باز آمدگان!

این رساله که در اندازه ۲۱ × ۲۹٫۵ سانتیمتر توسط «انتشارات نمودار» (بیله فلد، آلمان) با چاپی مرغوب فراهم شده، حاوی چند بخش است: متن سرود با خط خوب، حتی روشتر و خواناتر از کتاب پروفیسور نوبرگ،^۳ آوانگاری با هزوارش ها و خوانش پهلوی بدون آنها، «یادداشتها» درباره برخی واژه ها، چون گسی (- گسیل)، اوژدن (اوگستن)، افسوس و ریاری (تمسخر و استهزاء)... سبک و زبان و آهنگ این سرود، و سرانجام پاسخ به این پرسش که: شاه بهرام ورجاوند کیست؟ این داستان از کجا سرچشمه گرفته، چه تحولاتی یافته و در پایان به کجا رسیده است، با ارتباط تنگاتنگ این داستان شاه بهرام، در این تحولات، با بهرام یشت اوستایی و تطور این نام از ورثره غن اوستایی تا ورهران ساسانی و از آن جا تا بهرام امروزی که نام کره مریخ، برخی مردان ایرانی و بیستمین روز هر ماه در گاهشماری بهدینان است. و البته منابع و تحقیقات دیگران - ایرانی، غربی، هندی - در این باره فراموش نشده است.

یکی از نکات جالب این پژوهش ارتباطی است که تدریجاً میان شاه بهرام ورجاوند و ایزد بهرام آماوند پدیدار می شود چه بنا بر روایات، شاه بهرام نوه ایزد گرد سوم ساسانی است که چشم به راه آمدنش از هندوستان بودند، و بهرام آماوند از ایزدان بهدینی است و یکی از یشت های اوستا در توصیف اوست.^۴ شاید علت این ارتباط گذشته از همنامی این دو آن است که ایزد بهرام که یاور و پشتیبان جنگجویان ایران بوده است و هنگامی که دشمنان ایران را فروگیرند، او برای نجات خواهد آمد. در بهرام یشت می بینیم که: بهرام اهورا آفریده را می ستاییم... [چون] به ناگاه لشکر دشمن به کشور ایران در آید، به ناگاه کشور ایران را در هم شکند... [می آید] تا... از یک پیروزی

بزرگ بهره مند شوم، تا من این سپاه را شکست دهم...^۵

این شباهت نقش ایزد بهرام - که در بهرام یشت با صفات اهورا آفریده، اماوند (قدرتمند)، بهترزیناوند (مسلح)، پیروزمند... توصیف شده - با نقش «ناجی» برای شاه بهرام موجب شد که تدریجاً این دو شخصیت در هم آمیخته و در اندیشه بهدینان به صورت موجود واحدی درآمد که برای نجات ایران خواهد آمد. به هر حال اعتقاد به آمدن یک ناجی در آخرالزمان در چندین دین، با نامهای مختلف وجود دارد.

در باره ریشه برخی از واژه ها، یا تلفظ آنها، البته نظرهای متفاوتی میان پهلوی دانان بوده و هست که در این رساله نیز انعکاس یافته است. از جمله مسجد که معرب یک واژه پهلوی ست، استاد غیبی آن را مزگت خوانده و از واژه های دخیل از آرامی می شمارد، ولی شادروان ذبیح بهروز آن را مز (از ریشه مزدا) و کد می دانست به معنی نیا یشگاه.

این اختلاف تلفظ در میان پهلوی دانان ظاهراً از آن جااست که پهلوی دانان ایرانی در ابتدا از تلفظ استادان پهلوی دان آلمانی پیروی می کردند مانند استاد فقید ابراهیم پورداوود - با تحصیلاتش در هندوستان و آلمان - یا بهرام فره وشی،... سپس گروه جوانتری به میدان آمدند که از پهلوی دانان انگلوساکسن پیروی کرده و می کنند. به این ترتیب در نوشته های گروه نخستین می خوانیم: هندوکان، پیک، آراستک، اوت (واو عطف)، واج (باژ، دعا)... ولی همین واژه ها در مقالات گروه دوم: هندوگان، پیگ، آراستگ، اود، واز (با w به جای v)... است. نیازی به آوردن مثالهای بیشتری نیست. با مقایسه فرهنگ پهلوی تألیف دکتر بهرام فره وشی^۶ و فرهنگ کوچک زبان پهلوی از: د. ن. مکنزی^۷ این گونه اختلافها در هر برگ و در هر ستون به چشم می خورد.

شگفتا استاد غیبی سالیان درازی ست که در آلمان به سر می برد و با آنان سرو کار دارد ولی از تلفظ استادان انگلوساکسن پیروی می کند!

واژه ایر، با تلفظ قدیمی er، از واژه های ایرانی / آریایی ست که به اصل زاده یا آزاده ترجمه می کنند و امروز تنها در ترکیبات ایران، ایراک (n)، ایرستان^۸ و ایرلند (Eir به نوشته خودشان) باقی مانده است.

در زیر برگ ۱۸ آمده است: هجوم پیروزمندان تازیان در سال ۱۱ یزدگردی برابر با ۲۱ هجری (قمری) و ۶۴۲ میلادی صورت گرفت... و این تاریخ جنگ نهاوند است که تازیان فتح الفتوح می نامند ولی شکست قادسیه، پس از دو سال و نیم رزم آزمایی بنا به منابع اروپایی در ژانویه ۶۳۷ و عبور تازیان از فرات و دجله و اشغال مداین پنج ماه پس از آن بوده است.

ما توفیق استاد غیبی را در ادامه این پژوهشها و ویرایش دیگر متون بازمانده پهلوی، چون بندهش و دینکرت را به همین روش آرزومندیم.

نیس، فرانسه

۱- به زعم تاریخ، علی رغم چند مخالف، به جز یک دوجین رسالات بیشتر دینی که به هند بردند کتابهای کتابخانه های ایران تماماً در دونوبت دستخوش هدم و فنا گردید. در حمله عرب که آنها را به آب شستند و در حمله مغول که آتش بر کتابخانه ها زدند .

۲- رسالات پیشین: گزارش شطرنج، داستان یوشت فریان، ماه فروردین روز خرداد، یادگار زریران.

۳- Prof. Henrik S. Nyberg: *A Manual of Pahlavi*, Wiesbaden 1964.

۴- ابراهیم پورداود: ادبیات مزدیسنا، یشت ها... انجمن ایران لیگ (زرتشتیان) ۱۳۰۷ و ۱۳۰۹.

۵- همان جا، ج ۲، برگ ۱۱۲.

۶- دکتر بهرام فره وشی: فرهنگ پهلوی، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران.

۷- مکنزی: فرهنگ کوچک پهلوی، ترجمه میرفخرایی، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی. تهران ۱۳۷۳.

۸- ایراک (نام بخش خاوری سورستان که از آن ایران بود) نک: تاریخ و فرهنگ ایران، نامهای دل ایرانشهر.

۹- ایرانستان در قفقاز در شمال و جنوب جبال قفقاز. نک. حبیب برجیان: ایرستان (برگرفته از فرهنگنامه

شوروی). ماهنامه پر (واشینگتن)، شهریور ۸۰، برگ ۱۳...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی